



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## برقراری ارتباط مثبت بین معلم و دانش آموز و تاثیر آن بر بهبود عملکرد تحصیلی

زهرا صدیقی قزل دیزج

کارشناسی ، آموزگار پایه اول ابتدایی

### چکیده

دومین محیطی که فرد بعد از تولدش با آن روبه رو می شود، «مدرسه» است. مدرسه، زمانی وظیفه آموزشی و پرورشی خود را شروع می کند که آموزش و پرورش کودک قبلاً در خانه صورت گرفته است و چون هر جامعه، نیازمند پیشرفت و ترقی است، اهمیت زیادی برای تعلیم و تربیتِ مدرسه ای قائل می شود و خوش بختانه، رفتن به مدرسه در اکثر جوامع، بخش مهم و گاه اجتناب ناپذیر زندگی هر فرد است. آموزش و پرورش در هر جامعه اهدافی را دنبال می کند. در مدرسه، هدف از آموزش، انتقال آموخته ها و دانش ها از نسلی به نسل دیگر است و هدف از پرورش، بار آوردن دانش آموزان مطابق با توقعات و خواسته های خانواده ها و دولت است. کلاس درس به عنوان یک گروه یا نظام اجتماعی دارای همه ویژگی های سیستم های اجتماعی است که مورد توجه صاحب نظران علوم رفتاری قرار دارد. مدیریت کلاس بر عهده معلم است که قبل از آموزش یا هر گونه اقدام تربیتی و رفتاری باید کلاس درس را جهت تحقق اهداف، مدیریت نماید. مدیریت کلاس درس چون سایر مدیریت ها مستلزم کارکردهایی چون طراحی و سازماندهی، هماهنگی و رهبری، کنترل و نظارت و ارزشیابی است که بدلیل در هم تنیدگی، این کارکردها از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند. امروزه، از مهم ترین چالش های یک معلم در کلاس، ارتباط مؤثر و صحیح با فراگیران است از طرف دیگر ارتباط معنا دار، کلید اجرای موفقیت آمیز بسیاری از شیوه های مدیریت در کلاس می باشد. ارتباط عامل اصلی یادگیری است که شاخص های متعددی را در بر می گیرد. اهمیت ارتباط در کلاس درس آنقدر زیاد است که بعضی از صاحب نظران معتقدند ارتباط و اداره و کنترل یک کلاس درس لازم و ملزوم یکدیگرند. در برقراری ارتباط با دانش آموزان در کلاس، معلم با موانع و عوامل زیادی روبروست. که آگاهی و تسلط معلم بر این موارد و مهارت های ارتباطی در جهت تحقق اهداف آموزشی امری اجتناب ناپذیر است.

واژگان کلیدی: معلم-رابطه-دانش آموز، تاثیر، یادگیری



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

معلم می تواند در کنار ارتباط سازنده با دانش آموزان و به کار گیری مهارت ها و راهبردها و روش های شناختی از طریق مدیریت و ساختارهای معمول کلاسی هم بر ادراک خویشتن دانش آموزان از کفایت و کنترل خود تاثیر بگذارد. شیوه ی رایج معلمان در مواجهه با مسایل انگیزشی همچون برخورد ایشان با دیگر مسایل آموزشی است. یعنی ابتدا این مسایل را برای کلاس در نظر می گیرند و سپس آن را با یک دانش آموزان تطبیق می دهند. آشکارا است که دانش آموزان برای یادگیری به آموزش نیاز دارند برای افزایش انگیزش درونی دانش آموزان در امر یادگیری ضروری است تا ادراک کنترل ایشان آسیب نبیند. همچنین برای تداوم این مهم می بایست آن ها فرصت داشته باشند تا اهداف تحصیلی خود را انتخاب کنند و بر آن ها حاکمیت داشته باشند. در واقع معلمان باید آگاه باشند که چگونه فرصت انتخاب و حاکمیت را به دانش آموزان بدهند تا توانایی ایشان در عملکرد صحیح محفوظ بماند. اگر دانش آموز انتخاب نادرست داشته باشد با شکست مواجه خواهد شد. امکان دارد که دانش آموز از فرصت کنترل بر یادگیری خود برخوردار باشد اما با عملکردی نادرست کفایت لازم را از دست بدهد. معلمان می توانند در ارتباط با ابعاد محتوایی و روش کاری از دانش آموزان حمایت آموزشی به عمل آورند و دانش آموزان نیز همچون معلمان می توانند هم در زمینه ی محتوایی و هم روش کاری از انتخاب هایی برخوردار باشند.

## بیان مساله

اولین هدف معلم باید برقرار کردن رابطه ی مطلوب ، دوستانه و حمایت کننده با دانش آموزان باشد . چنین هدفی فقط با تعامل میان معلم و دانش آموز حاصل می آید . چند روز اول مدرسه و اولین دیدار های دانش آموزان با معلم از این نظر بسیار مهم است بنابراین باید به آن توجه خاص داشت . معلمان تازه کار به طور معمول از معلمان قدیمی تر می شنوند ، که تا هنگامی که دانش آموزان به آن ها احترام نگذاشته اند در برتابر آن ها نخندند . زیرا ایشان بر این باورند که دانش آموزان برای احترام گذاشتن به معلم باید از وی بترسند . اما نظریه پردازان انگیزش می گویند که در روزهای اول به دانش آموزان نشان دهید که به آن ها علاقه دارید و می توانند به شما اعتماد کنند و در صورت نیاز برای هر کمکی به شما رجوع کنند . هدف اصلی در واقع آن است که معلم باید به عنوان فردی بالغ و قابل اعتماد برای دانش آموزان مطرح گردد . خوشبختانه راه های بسیاری برای این منظور وجود دارد. هر گونه برخورد با دانش آموزان در تقویت یا تضعیف تصور آن ها نسبت به معلم موثر است . بنابراین معلم نمی تواند فقط زمان معینی از روز را به برقراری ارتباط با شاگردانش اختصاص دهد ، بلکه تلاش برای رابطه ی مثبت باید همه اوقات معلم و دانش آموزان را در بر گیرد . آموزش ، بدون ایجاد رابطه ی معنایی نخواهد داشت معلمان در همان آغاز کار خود پی می برند که نحوه ی برقراری ارتباط با دانش آموزان بسیار اهمیت دارد (یغماء، ۱۰۵، ۱۳۸۴) . آنان از خود می پرسند ، آیا به پرورش دانش آموزان پرداخت و به آن ها عشق ورزید و یا باید سختگیر بود و انتظارات زیادی از آن ها داشت ؟ آیا باید به دانش آموزان نزدیک شد یا از آن ها فاصله گرفت ؟ در این مقاله سعی می شود به این سوال ها پاسخ داده شود. این ها پرسش هایی است که اغلب معلمان تازه کار در اندیشه آن هستند . معلمان با تجربه که شیوه ی خاصی را پس از طی سال ها بر گزیده اند ، کمتر در این موارد می اندیشند . به هر حال توصیه می شود تا معلمان به تاثیر نوع ارتباط خود بر شکل گیری گرایش های انگیزش دانش آموزان توجه کنند . روابط مبتنی بر محبت ، احترام و اعتماد متقابل میان



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

معلم و دانش آموز هم موجب می شود تا دانش آموز به معلم وابسته نشود و هم انگیزه تحصیلی وی را افزایش می بخشد. همه ی ما حتماً معلم یا معلمانی داشته ایم که با دانش آموزان خود روابط مبتنی بر محبت و احترام و باور متقابل داشته اند. شناخت تاثیر تنبیه های شدید از اهمیت بسیاری برخوردار است چون تنبیه با ایجاد هراس همراه است و موجب می شود تا فرد تنبیه شده کنترل خود را بر موقعیت ضعیف بشمارد وی انتخاب خود را محدود می بیند و لازم می داند که خود را با شخص قدرتمند تطبیق دهد. خوشبختانه راهبردهای محروم نمودن تهدیدی جدی برای کنترل ادراک شده دانش آموزان نیست. برای مثال دانش آموزی که به آرامی و بدون توجه دیگران به آخر کلاس فرستاده می شود و سپس در کمال مهربانی از وی علت این کار پرسیده می شود در واقع وی را آزاد گذاشته ایم خود به بیان علت بپردازد. چنین روشی برای جلوگیری از رفتار نامناسب است و به دانش آموز فرصت می دهد تا در اعمال خود دقت کند و مسولیت آن را بپذیرد معلم برایش سخنرانی نمی کند و او را به دلیل خطاهایش تهدید نمی کند به این ترتیب در حالی که رفتار نامناسب ادامه نمی یابد تصور دانش آموز در مورد کنترل خود بر موقعیت یادگیری نیز آسیب نمی بیند. یکی از اثرات مثبت اجتناب از تنبیه آن است که دانش آموزان از معلم خود متنفر نمی شوند همچنین هنگامی که معلم از آزدن دانش آموزان و پیش داوریهای غیر اصولی پرهیز می کند و نیز توجه و علاقه ی خود را به آن ها ابراز می دارد رابطه ی مطلوب میان معلم و دانش آموز برقرار می شود هنگامی که دانش آموزان معلم خود را دوست داشته باشند و به او اعتماد کنند و احترام بگذارند تاثیر به سزایی بر گرایش های انگیزش تحصیلی ایشان خواهد داشت. هنگامی که دانش آموزان به معلم خویش اعتماد دارند احساس امنیت می کنند زیرا میدانند در صورت بروز مشکل معلم حتماً از آن ها حمایت خواهد کرد همچنین این امر موجب می شود تا ادراک کفایت آن ها افزایش یابد. اهمیت این امر را می توان در رابطه ی کودکان خرد سال با والدین خود مشاهده نمود. کودکانی که رابطه ی مطمئن و امنی را با والدین خود دارند بیش از دیگر کودکان به کارهای مخاطره آمیز دست می زنند. بیشتر محیط اطراف خود را جستجو می کنند و با فاصله گرفتن از والدین خود و رفتن به سوی اشیاء و رویدادهای جالب توانایی های خود را به بوته ی آزمایش می گذارند آنها آشکارا احساس اطمینان و کفایت بیشتری دارند و انگیزش بهتری در همه ی موارد از خود نشان می دهند. دانش آموزانی که به معلم خود اعتماد دارند در کاوش های تحصیلی جسارت بیشتری نشان می دهند معلم نیز باید بخواهد که دانش آموزان همواره برای کارهای جدید، متفاوت و مشکل آماده باشند. یادگیری یعنی دستیابی به فراسوی آن چه در حال حاضر می دانیم و آگاهی یافتن از چیزهای ناشناخته. هنگامی که دانش آموزان به معلم خود اعتماد دارند و رفتار وی را قابل پیش بینی می دانند و همواره از راهنمایی های شخصی و تحصیلی وی بهره می گیرند احتمال این که برای دروس خود به دنبال راه های آسان باشند کمتر است بلکه مایلند بیشتر توانایی های خود را به آزمایش بگذارند چون اطمینان دارند که با حمایت هایی که از آن ها می شود با مشکل روانشناختی خاصی مواجه نخواهند شد. طریق دیگر برای تاثیرپذیری مثبت گرایش های انگیزشی دانش آموزان سرمشق دهی است. چنان چه دانش آموزان به معلم خود احترام بگذارند معلم به عنوان سرمشق برای آن ها مطرح می شود فرایند رابطه ی معلم و دانش آموز بسیار شبیه رابطه ی والدین و کودک است. کودکان ارزش های والدین خود را درونی می کنند در خردسالی کودکانی که والدین خود را دوست دارند و به آن ها اعتماد دارند می خواهند جزیی از آن چه والدینشان انجام می دهند باشند بنابراین والدین خود را تعقیب می کنند و در بسیاری از کارها به آن ها کمک می کنند و یا وقتی آن ها مشغول مطالعه ی کتاب یا روزنامه ای هستند در آغوش آن ها می نشینند کودکان به این



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

طریق می آموزند که والدینشان چه فعالیت هایی را ارزشمند می دانند در واقع والدین با دخالت دادن کودکان در فعالی های خاص آن ها را برای ایشان سرمشق دهی می کنند. در نهایت کودکان مستقل می شوند و خود به تنهایی به امور مختلف می پردازند ابتدا انجام این فعالی ها از سوی کودکان به دلیل نظر مثبت والدین انجام می شود یعنی کودکان زندگی را با تمایل شدید برای انجام کارهای دشوار شروع نمی کنند بلکه بتدریج ارزش مطالعه و داشتن خانه ای تمیز را درونی می کنند. بنابراین آن چه در آغاز برای والدین ارزشمند بود در نهایت برای خود آن ها ارزش می شود. معلمانی هم که با دانش آموزان رابطه دارند و برای آنان سرمشقی مورد اعتماد و احترام هستند می توانند با بیان ارزش های خویش به ایجاد ارزش های تحصیلی نزد دانش آموزان کمک کنند. البته لازم نیست معلم درباره ی ارزش تحصیلات بالاتر برای ایشان سخنرانی کند بلکه می تواند با راهنمایی های آموزشی، مطالعه، اظهار نظر در مورد عقاید علمی و کتب مختلف علاقه و تعهد خود را به مساله ی آموزشی نشان دهد. انتقال ارزش ها تنها زمانی امکانپذیر است که کودک به بزرگترها ی خود اعتماد داشته باشد و به آن ها احترام بگذارد در غیر این صورت ارزش ها و استانداردها ی آن ها را نخواهد پذیرفت. در حالی که روابط محبت آمیز و همراه با اعتماد و احترام میان معلم و دانش آموزان در حفظ و گسترش انگیزش دانش آموزان مهم است دشواری های بالقوه ای را نیز به همراه دارد. حادترین دشواری ها عبارت است از وابستگی بیش از اندازه ی برخی از دانش آموزان به تایید و تمجید معلم است. بیش از آن که چنین دانش آموزانی بتوانند درباره ی خودشان احساس خوبی داشته باشند لازم است معلم پیشرفت های آن ها را شناسایی و آن ها را تحسین کند متأسفانه این گونه دانش آموزان معیارهای درونی خود را که بتوان از آن طریق در مورد خود و کارهایشان داوری کنند از دست داده اند یا از آغاز چنین معیارهایی در آن ها رشد نکرده است بنابراین معلمانی که به وضوح برای برقراری ارتباط مثبت با دانش آموزان خود تلاش می کنند با مراقب این گونه وابستگی دانش آموزی باشند. (سیف، ۹۷، ۱۳۸۵)

برای ارتباط موثر بین معلم با دانش آموزان باید ببینید انتظارات دانش آموزان از معلم خود چیست؟

همان طور که شما به عنوان یک معلم از دانش آموزان انتظاراتی در زمینه رفتاری و تحصیلی دارید، دانش آموزان نیز از شما انتظاراتی دارند. با وجود این که، انتظارات دانش آموزان بسته به عوامل متعددی همانند سن و یا سطح توانایی های آن ها، با یک دیگر کاملاً متفاوت است، اما برخی از انتظارات بین دانش آموزان مشترک و همگانی هستند.

دانش آموزان از شما انتظار دارند که:

- از بودن در کنار آن ها لذت ببرید و احساس شادمانی کنید.
- از آن ها به عنوان یک دانش آموز محترم، قدردانی کنید.
- از لحن حمایتی، دلسوزانه در صحبت کردن استفاده کنید و مطالب را با صراحت تمام بیان کنید.
- علاقه خود را به تدریس در آن کلاس، نشان دهید.
- به موضوع درسی، تسلط کامل داشته باشید.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- به آن‌ها در گرفتن نمرات بالا، کمک کنید.
- آن‌ها را با فعالیت‌های معنادار و مفید سرگرم کنید.
- از آن‌ها در برابر افراد زورگو و اذیت‌کار، محافظت کنید.
- رفتار منصفانه و بی‌طرفانه‌ای را در برخورد با همه دانش‌آموزان، درپیش بگیرید.

ارتباط مناسب تعاملی بین دانش‌آموزان و معلم:

خود را به عنوان یک دوست بالغ و بزرگسال که دغدغه اصلی او بزرگترین علایق دانش‌آموزان است، در نظر می‌گیرد.

دانش‌آموزان را به منظور اتخاذ تصمیمات درست، راهنمایی می‌کند.

از بچه‌ها و دانش‌آموزان در برابر هرگونه آسیب و صدمه‌ای محافظت و مراقبت می‌کند.

با شرایط رفتاری، تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان، کاملاً آشنایی دارد.

به دانش‌آموزان در ارتقای جهت بینی و شناخت دنیای پیرامون خویش کمک می‌کند.

فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر آن‌ها، فراهم می‌کند.

علاقه و مهربانی خود را به دانش‌آموزان ابراز می‌کند.

حامی دانش‌آموزان است.

چارچوب نظری تحقیق، پیشینه ی تحقیق

نظریه ی انتظار معلم

معلمان گاهی اوقات با رفتارهای خویش به شکل‌گیری ادراک کفایت در دانش‌آموزان یاری می‌رسانند گاهی معلمان از دانش‌آموزان ضعیف انتظارات کمتری دارند و این امر را به صورت‌های گوناگون خواسته و ناخواسته به آن‌ها نشان می‌دهند. برای مثال به آن‌ها فرصت کمتری برای بحث کردن می‌دهند و یا آن‌ها را در انتهای کلاس می‌نشانند همین‌طور از دختران نسبت به پسران همواره انتظارات کمتری در موفقیت فعالیت‌های آموزشی دارند. از دیگر مواردی که ممکن است بر انتظارات معلم از دانش‌آموز موثر باشد موقعیت اجتماعی و خانوادگی دانش‌آموز، رشد جسمی آن‌ها و از این قبیل است. به‌طور کلی اغلب انتظارات معلمان از دانش‌آموزان غیر منطقی است و بر پایه‌ی پیش‌فرض‌ها و داوری‌های غیر منطقی استوار است. اما اگر معلمی خواهان چنین برخوردهایی هم نباشد برای خود دانش‌آموزان مسلم فرض می‌شود و نمی‌توانند از



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آن‌ها چشم‌پوشی کنند. یکی از راه‌هایی که برای رفع چنین امری توصیه می‌شود این است که معلم اسامی دانش‌آموزان را بر روی کارت‌هایی بنویسد و قبل از هر پرسشی کارت‌ها را زیر و رو کند و اسم هر کس در بالا قرار گرفت از او پرسش مربوطه را بنویسد به این ترتیب همه‌ی دانش‌آموزان اطمینان می‌یابند که تبعیضی در میانشان صورت نمی‌گیرد و سوال‌های آسان و دشوار از پیش برای افراد خاص در نظر گرفته نمی‌شود. دشواری اساسی در مورد انتظار معلم از دانش‌آموز آن است که این انتظارات اغلب بر پایه‌ی دریافتی سطحی از رشد کودک استوار است و معلم به طور معمول نظرات خود را به صورت یک طرفه به دانش‌آموزان انتقال می‌دهد. (اسپالدینگ، ۱۳۸۷، ۴۰)

## نظریه‌ی اسناد

طبق این نظریه موفقیت و شکست فرد در کارهای گذشته‌ی خود به طور مستقیم بر ادراک کفایت و اثرات بعدی آن تأثیری ندارد بلکه اسناد موفقیت و شکست فرد در پیش‌بینی نتایج مطلوب بعدی موثر است. در واقع باورهای فرد در مورد چرایی موفقیت و شکست خود برای شناخت انگیزش آینده‌ی فرد مهمتر است. به طور کلی دانش‌آموزان موفقیت‌ها و شکست‌های خود را به عوامل زیر نسبت می‌دهند: توانایی و ناتوانایی، تلاش کردن و کاهلی کردن، آسانی یا دشواری تکلیف، شانس و اقبال، این چهار اسناد را از سه دیدگاه می‌توان ارزیابی نمود که روشن‌گر تأثیر آن‌ها بر انتظارات فرد است ابتدا می‌توان آن‌ها را به عنوان اسنادهای درونی و بیرونی لحاظ نمود. اسنادهای درونی به خود شخص اشاره دارند در حالی که اسنادهای بیرونی به عواملی خارج از فرد مورد اسناد مربوط هستند. دوم اسنادهای پایدار و ناپایدار: یک اسناد پایدار در طی زمان و در شرایط مختلف همچنان ثابت می‌ماند و اسناد ناپایدار همواره در تغییر است. مردم به طور معمول توانایی و ناتوانی را یک ویژگی پایدار می‌دانند همچنین در مورد دشواری و آسانی تکلیف نیز بر این نظر هستند. سوم اسنادهای قابل کنترل و غیر قابل کنترل تقسیم نمود. در واقع شخص می‌تواند به طور آگاهانه موقعیتی را در راستای هدفی مطلوب هدایت کند و یا به آن قادر نیست. تلاش یا کاهلی تنها اسنادی است که به طور معمول قابل کنترل محسوب می‌شود دانش‌آموز می‌تواند تلاش خود را برای امروز نسبت به دیروز افزایش بخشد اما در مورد توانایی یا ناتوانایی چنین نیست. زیرا چیزی است که بتدریج برای فرد حاصل می‌شود و فرد قادر نیست تا کنترل آگاهانه و قابل نظارت بر آن داشته باشد. (همان، ۲۳)

## نظریه‌ی کنترل اولیه

هنگامی تحقق دارد که دانش‌آموز برای تقبل مسولیت و موفقیت در آن تلاش می‌کند. افرادی دارای کنترل اولیه هستند که از کنترل درونی برخوردارند و باور دارند که می‌توانند در محیط خود تأثیر بگذارند. راه دیگر تشخیص کنترل اولیه فرایندی است که در روند آن فرد محیطش را چنان دگرگون می‌سازد که با علاقه‌ها، نیازها و خواسته‌هایش تطابق یابد. کنترل اولیه هنگامی بهترین نتیجه را به بار می‌آورد که فرصت‌های واقعی برای تصمیم‌گیری و انتخاب وجود داشته باشد. (همان، ۲۸)



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نظریه ی یادگیری اجتماعی

ارتباط میان رفتار و پیامدهای آن است که بنیاد نظریه ی یادگیری اجتماعی را تشکیل می دهد. افرادی که ارتباط میان رفتار و پیامدهای آن را می فهمند از کنترل درونی برخوردارند در واقع این افراد باور دارند که می توانند بر محیط خود تاثیر بگذارند. در مقابل افرادی که خود را در این روند ناتوان می دانند و ما بین عمل خویش و بازتاب محیط ارتباطی را نمی شناسند از کنترل بیرونی برخوردارند. از نظر گاه یادگیری اجتماعی کسانی که گرایش درونی دارند از ادراک کنترل بیشتری برخوردارند. مطالعات نشان داده است که گرایش کنترل درونی به موارد زیر می انجامد: پیشرفت تحصیلی، نمرات بالا، پشتکار و تلاش، توجه به تکالیف. لازم به تذکر است که ساختار کنترل (درونی و بیرونی) در این نظریه ارتباطی با فرصت های واقعی برای کسب کنترل ندارد. (همان، ۲۷)

چگونگی روابط میان معلم با دانش آموزان

\* افزایش روابط غیر مشروط میان معلم و دانش آموز

توجه به راهبردهای غیر درسی از این نظر اهمیت دارد که به معلم اجازه می دهد تا محبت و احترام خود را نسبت دانش آموزان از توانایی و عملکرد تحصیلی آن ها جدا کند. اگر همه روابط در زمینه ی تحصیلی دور بزند دانش آموزان کارآمدتر نسبت به همکلاسی های خود در ایجاد رابطه ی مفید با معلم از فرصت های بیشتری برخوردار خواهند بود. در حالی که همه ی دانش آموزان نیاز دارند تا مورد احترام و علاقه ی معلمشان قرار بگیرند حتی اگر رفتار و نگرش های آن ها همیشه مورد تایید معلم نباشد. در واقع دانش آموزانی که در مدرسه عملکرد ضعیفی دارند نسبت به همکلاسی های خود به داشتن رابطه ی مثبت با معلم بیشتر نیازمندند در ایجاد رابطه ای مطلوب و مفید با دانش آموزان ، معلم با تاکید بر موقعیت های غیر تحصیلی می تواند توجه و احترام خود را به طور مساوی میان دانش آموزان تقسیم کند. دستیابی به موقعیت برای برقراری رابطه با دانش آموزانی که دشواری های تحصیلی و رفتاری دارند شاید دشوار باشد من می توانم یک خاطره ی ناخوشایندی درباره ی یک نوجوان تازه وارد به دبیرستان به یاد آورم که طی ده ثانیه ی اول ورود خود به کلاس ایجاد اختلال می کرد اما مشکل این بود که این نوجوان به راحتی چنین لحظاتی را در اختیار نمی گذاشت بنابراین تصمیم گرفتم هر روز قبل از ورود به کلاس کنار در بایستم و با جمله های کوتاه و خوشایند به دانش آموزان بتوانم قبل از این که نوجوان مزبور فرصت یابد تا اختلالی ایجاد کند تعامل مثبتی را با او داشته باشم. در واقع معلم نباید همواره در انتظار فرصت های تصادفی باشند بلکه خود نیز باید ابتکار به خرج دهند و چنین فرصت هایی را ایجاد کنند به ویژه این امر برای دانش آموزانی لازم است که در حالت معمول کمتر قادرند تا تحسین معلم را متوجه خود کنند. تصریح می گردد که هدف معلم باید ایجاد رابطه ای غیر مشروط با دانش آموز باشد . بر عکس اندیشه بسیاری کسان ، دانش آموزان نباید در جستجوی کسب احترام از معلم باشند ، بلکه معلم تعهد حرفه ای دارد ، که بدون در نظر گرفتن عملکرد تحصیلی دانش آموزان با همه ی آن ها رفتار خوبی داشته باشد . البته مقصود این نیست که معلم باید رفتار های نا مناسب را در نظر نگیرد ، بلکه هدف آن است که رفتار نا مناسب دانش آموز نباید باعث



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

قطع روابط محبت آمیز و حاکی از اعتماد میان دانش آموز و معلم گردد. مانند والدین که حتی اگر فرزندان شان خطایی مرتکب شوند، باز هم محبت آنها را در دل خواهند داشت.

\*اجتناب از تحسین و تمجید افراطی

شاید یکی از شایعترین عقاید در حرفه معلمی مربوط به نتایج مثبت تحسین و تمجید باشد. دانش آموزان در ازای کارهای زیادی مانند درست نشستن در کلاس، پاسخ صحیح به پرسشها و غیره مورد تحسین قرار می گیرند، اما اثر تمجید و تحسین، آن چنان که از استفاده گسترده آن برداشت می شود، ساده و مستقیم نیست. معلمانی که بیش از اندازه از تعریف و تمجید استفاده می کنند، دانش آموزان را به وابستگی به خود تشویق می کنند و در واقع به آنها القا می کنند که تنها هنگامی که در کارشان موفق هستند که معلم از آنها تمجید کرده باشد. تغییر چنین الگویی ممکن است برای معلمان مشکل باشد، زیرا سالهاست که روشی معمول در مدارس است، اما با این حال می توان به کمک نمادهای غیر کلامی این عادت را تغییر داد. یکی از راهبردها برای معلمانی که می خواهند به هنگام باز خورد دادن به دانش آموزان، میزان تحسین را کاهش دهند، استفاده از نماد غیر کلامی است. یک نماد خنثی مانند کار تو عالی است از معنای فرهنگی بر خوردار نیست. نماد می تواند هر گونه معنایی را که معلم بخواهد در بر داشته باشد. بنابراین اگر چند بار اول که معلم کار دانش آموز را علامت می گذارد به وی بگوید: کار تو عالی است. دانش آموز می آموزد که علامت گذاری را به عنوان نمادی از تحسین کلی تعبیر کند. اما اگر معلم پس از چند بار علامت گذاری بگوید: این حروف به ما کمک می کند تا به خاطر آوریم که شما امروز تکلیف را در وقت معین انجام داده ای، دانش آموز آن را به عنوان روش ثبت سابقه نسبت به موفقیت های تحصیلی خود خواهد داشت. در واقع هدف آن است که باز خورد اطلاعاتی به دانش آموز داده شود تا در شناسایی آن چه به خوبی انجام داده است و این که چه وقت و چگونه موفق بوده است، به او کمک کند. معلم علاوه بر به کار گیری علایم با نمادهای غیر کلامی می تواند فقط بخشهای موفق از عملکرد دانش آموزان را مورد تحسین قرار دهد. برای مثال، به جای این که روی نقاشی دانش آموز بنویسد: کارت خوب است، می تواند بنویسد: با استفاده از سایه روشن که به نقاشی ات عمق بخشیده کار جالبی انجام داده ای. یا به جای آن که در بالای صفحه محاسبات ریاضی بنویسد: خیلی پیشرفت داشته ای، می تواند بنویسد: دفعه گذشته در ضربهای ۷ ضرب در ۶ و ۷ ضرب در ۸ اشکال داشتی، اما حالا دیگر مشکلی نداری و بر ضرب این اعداد تسلط پیدا کرده ای. بدیهی است که این عبارات نیز تحسین آمیزند، اما تحسین مزبور بیشتر به آن چیزی متوجه است، که دانش آموز آن را به خوبی انجام داده است، نه این که تعریف و تمجید کلی از جانب معلم باشد.

\*شناساندن عوامل موفقیت و شکست

یکی از راه هایی که می توان به میزان وابستگی دانش آموزان پی برد این است که آن ها موفقیت های خود را به معلم نسبت می دهند برخی می گویند چون معلمشان خوب بوده است رتبه ی بالایی آورده اند و یا چون معلمشان به آن ها کمک کرده است در کارشان موفق بوده اند. برخی از دانش آموزان که موفقیت خود را به معلم نسبت نمی دهند خوش شانسی یا سادگی کار را دلیل موفقیت خود می دانند. آن چه در تمام این موارد مشترک است گرایش خارجی آن ها است. دانش آموزانی که موفقیتی های خود را به چنین عواملی نسبت می دهند بر این باورند که علل موفقیت آن ها بیرون از خودشان است. از نظر





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

انگیزشی اسناد خلاق یعنی ارزش دادن به خود و موثر دانستن توانایی و تلاش شخصی در موقعیت های تحصیلی. معلم از طریق ارزش دادن به دانش آموزان به خاطر عملکردهای مطلوب می تواند آن ها را در شناسایی عوامل اصلی موفقیت خود یاری کند. به طور مثال اگر دانش آموزی در بازی بسکتبال دو پرتاب موفق داشته باشد معلم می تواند به او بگوید تمرین هایی که دیروز انجام دادی در پرتاب های امروزت موثر بود. یا قوتی دانش آموز مقاله ی خوبی می نویسد به او بگوید حتماً وقت زیادی برای تهیه ی مقاله ات صرف کرده ای. جمله بندی، نقطه گذاری و نکات دستوری آن بی نقص هستند. در این دو مثال موفقیت دانش آموزان به تلاش آن ها نسبت داده شده است همچنین می توان دانش آموزان را تشویق کرد تا موفقیت هایشان را به توانایی های خود نسبت دهند. برای مثال اگر دانش آموزی در موضوعی خاص دارای ادراک خوبی است باید توجه او را به توانایی اش جلب نمود. همان طور که لازم است به دانش آموزان کمک کرد تا موفقیت های خود را به توانایی خود نسبت دهند در مورد شکست های خود نیز باید چنین کنند دانش آموزان باید بیاموزند تا شکست هایشان را به عدم تلاش و نه عدم توانایی نسبت دهند. بنابراین اگر دانش آموزی در امتحان شکست خورد نباید شکست خود را انکار کند بلکه باید آن را بپذیرد اما لازم است آن را ناشی از عدم تلاش خود بدانند. برای مثال شاید نیاز باشد که بیشتر مطالعه کند معلم باید هنگام صحبت پیرامون شکست دانش آموز بر آن چه که در کنترل فرد است و برای کسب موفقیت می تواند با آن برخورد کند تاکید نماید.

\*اجتناب از تنبیه شدید و مکرر :

معلمانی که مایلند روابط خوبی با دانش آموزان داشته باشند ، یعنی رابطه ای که موجب افزایش انگیزش تحصیلی آن ها شود ، برای آموزش رفتار مناسب نباید بر تنبیه متکی باشند . اغلب تنبیه ها با هدفی فراتر از خجالت دادن و ناراحت کردن دانش آموزان در نظر گرفته می شوند . در گذشته دانش آموزان به دلیل بی توجهی به درس مورد تنبیه جسمی قرار می گرفتند و امروزه نیز با این که این گونه تنبیه ها کمتر رایج است ، اما بیشتر تنبیه ها به نحوی برای آزردهن دانش آموزان صورت می گیرد . برای مثال نوشتن ۵۰۰ مرتبه جمله ( من ووسایلم را فراموش نمی کنم ) و یا رفتن به مدرسه در روز های تعطیل و یا ایستادن در گوشه کلاس و یا ماندن در مدرسه بعد از تعطیل مدرسه ، همگی مواردی هستند که موجب آزردهن دانش آموزان می شود . معلمانی که چنین تنبیه هایی را مقرر می کنند ، انتظار دارند که به نتایج مطلوب هم دست یا بند . برخی از معلمان که خود مایل به تنبیه دانش آموزان نیستند ، از والدین کودک می خواهند تا آنها را به دلیل رفتار نامناسب در مدرسه ، خود تنبیه کنند . در این موارد به طور معمول والدین محرومیت هایی را برای کودک خود ایجاد می کنند ، که در نتیجه رابطه معلم و والدین با دانش آموز دچار اغتشاش می شود . اگر چه والدین باید از نحوه عملکرد فرزندان خود در مدرسه آگاه باشند ، اما نباید از والدین خواست تا آنها را تنبیه کنند . روش بهتر آن است که کاری کنیم تا والدین با امر آموزش فرزند خود درگیر شوند . باید آنان را ترغیب کرد تا کودک را به دلیل انجام تکالیفش در منزل تشویق کنند . باید دانش آموز را به کتابخانه ببرند و به او کمک کنند تا کتاب های مربوط به یک تکلیف را بیابد و از راه های گوناگون او را برای به دست آوردن موفقیت های کوچک در مدرسه تشویق کنند . معلمانی که برای موفقیت درسی کودکان به این شکل از والدین استفاده می کنند ، در یاری رساندن به دانش آموزان خود موفق تر هستند . بر عکس معلمانی که همواره در انتظار شکست یا رفتار نامطلوب دانش آموز هستند ، اغلب بیشتر باعث می شوند تا مشکلاتی به وجود آید . اگر چه به ظاهر شاید این طور به نظر آید که معلم نباید هرگز دانش آموزان را تنبیه کند ، اما در واقع دوری کامل از راهبر های تنبیه شاید دشوار باشد . معلمان باید چگونگی استفاده از



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روش های انضباطی و تنبیه های خفیف را بیاموزند ، البته به گونه ای که به روابط میان معلم و دانش آموز آسیبی نرساند . برای دوری کردن از عوارض زیانبار تنبیه ، ابتدا باید خیلی کم از ان استفاده شود . معلمی که از تنبیه به عنوان اولین و تنها راهبرد برخورد با دانش آموزان استفاده می کند به انگیزش تحصیلی آن ها آسیب شدیدی می رساند . با این حال هنگامی که در کنار استفاده از روش های غیر تنبیهی ، رفتار نا مناسب دانش آموزان همچنان ادامه می یابد . در این صورت باید تنبیه جزئی باشد و فقط به عنوان هشدار از آن بهره گرفته شود . هدف آن است که دانش آموز در یابد از مرز رفتار مورد قبول فراتر رفته است و امکان دارد رفتار ناراحتی های جسمی و روانشناختی را برای دیگران باعث شود . در واقع تنبیه باید بیشتر از آن که واقعی باشد ، نمادی باشد . یکی از راه های تنبیه خفیف ، استفاده صحیح از روش محروم کردن است . به طور مثال ف وقتی دانش آموزی با مدادش به پشت همشاگردی خود که در جلوی او نشسته است ، می زند ، معلم می تواند خیلی آرام به وی نزدیک شود و مدادش را بگیرد و به او بگوید : میتوانی مدادت را در آخر وقت کلاس از من بگیری . به این طریق وی را از وسیله ای محروم کرده ایم ، که با آن دوستش را اذیت می کرده است . همین طور اگر دانش آموزی مزاحم دیگران است ، می توان از او خواست تا به آخر کلاس برود و دور از دانش آموزان بنشیند . البته باید وی را چنان در این مسیر هدایت کرد ، تا دیگران متوجه نشوند . به ایت ترتیب دانش آموز از موقعیتی که رفتار نا پسندش را تقویت می کند بیرون برده می شود . به طور معمول لازم است تا دانش آموز چند دقیقه ای در محل جدید باشد تا در مورد رفتار مزبور بیندیشد . بعد به طوری که دیگران متوجه نشوند ، می توان به دانش آموز نزدیک شد و به آرامی از او پرسید : فکر می کنی چرا از تو خواستم در این جا بنشینی ؟ معلم باید منتظر می شود تا پاسخی مناسب بشنود . سپس وی را با مهربانی به جای خود باز می گرداند . لازم است گفته شود که در این روش منظور این نیست که دانش آموز به خاطر از دست دادن چیز با ارزشی احساس نا خوشایندی پیدا کند ، بلکه منظور انتقال این موضوع به دانش آموز است که رفتارش از حد قابل قبول تجاوز کرده است و معلم اجازه نمی دهد تا چنین رفتاری ادامه یابد . گاهی لازم است تا دانش آموز را از کلاس بیرون فرستاد و این به هنگامی است که او از رفتن به آخر کلاس خودداری می کند . اگر چنین دانش آموزی از کلاس هم بیرون نرود ، باید از ناظم مدرسه خواست تا او را از کلاس بیرون ببرد . اما در این حالت نیز نباید دانش آموز را با این قصد بیرون فرستاد که مورد بازداشت قرار گرفته است . یا کاری اضافی را باید انجام دهد . بلکه دانش آموز باید به دفتر مدرسه برود و در جایی به آرامی بنشیند و لازم است تا فردی بزرگسال هم نزد وی باشد . اما نباید دانش آموز دیگری همراه وی باشد . بعد از ۱۰ تا ۱۵ دقیقه ، مدیر یا مشاور مدرسه باید از او پرسد چرا به دفتر فرستاده شده است ؟ اگر بتواند علت آن را توضیح دهد ، باید خیلی ساده به کلاس برگردد . البته بیرون کردن دانش آموز از کلاس باید هنگامی صورت گیرد ، که دیگر تلاش ها با شکست مواجه شده است . دور از انتظار نیست که اغلب معلمان در به کار گیری این روش تنبیهی با مشکل مواجه می شوند و تعداد اندکی نیز از آن استفاده می کنند . بر عکس اشکال سنتی تنبیه مثل بازداشت ، تعلیق و تکلیف اضافی به طور عمده در نظام آموزشی مورد استفاده قرار می گیرد . با این حال اگر این روش های تنبیهی موفق بودند ، رفتار های نا مطلوب باید کاهش می یافتند . در حالی که مشاهده می شود ، که چنین نیست ، و بی علائقی دانش آموزان همواره افزایش می یابد . گزارش های مدیران ، معلمان ، دانش آموزان و والدین این امر را تایید می کند . به طور کلی دانش آموزانی که اغلب به شدت مورد تنبیه قرار می گیرند به دو صورت پاسخ می دهند . اول آن که آنها می آموزند که دیگر انسان ها را می توان از طریق تهدید و آزار و اذیت کنترل کرد و در نتیجه رفتارهای



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پخشگرانه در مدارس افزایش می یابد ، و یا شیوه تسلیم و اطاعت را پیش می گیرند . که این امر موجب بی علائقی آنها نسبت به فعالیت های تحصیلی بر می گردد . بنابراین پیام آن است که هر چه معلم کمتر از تنبیه استفاده کند بهتر است . در موارد نادر هم که تنبیه جزئی ضرورت می یابد ، معلم می باید تلاش کند تا عصبانی نشود . مردم اغلب به هنگام عصبانیت به دیگران پرخاش می کنند . برخی از معلمان نیز ممکن است دانش آموزان را مورد توهین ، تهدید و تحقیر قرار دهند . چنین مواردی حتی می تواند بیش از تنبیه های جسمانی موجب ناراحتی دانش آموزان گردد . معلمانی که می توانند در لحظه های بحرانی بر خود مسلط باشند ، قادرند با چنین موقعیت هایی سازگاری یابند ، به طوری که روابط آنها با دانش آموزان دچار اختلال نشود . اما بسیار اتفاق می افتد که حتی آرام ترین و منطقی ترین معلمان هم به طور نا خواسته دانش آموزی را مورد توهین و تحقیر قرار می دهند . در این موارد یک پوزش ساده از جانب معلم می تواند نتیجه خوبی داشته باشد و حتی روابط فیما بین را بهتر کند . من خود به خاطر می آورم که یک بار به یکی از دانش آموزانم پرخاش کردم و به او گفتم : بر گرد و خفه شو . دانش آموزان همگی بسیار تعجب کردند ، چون تاکنون چنین رفتاری را از من مشاهده نکرده بودند . چند دقیقه بعد هنگامی که آرام گرفتم و آن دانش آموز به آرامی مشغول انجام تکالیفش بود ، به نزد وی رفتم و از او پوزش خواستم و گفتم : از آن چه اتفاق افتاد متاسفم ، من سعی می کنم با هیچکس این گونه صحبت نکنم . حدس می زنم که آن وقت از این که شما به درس توجه نداشتید ، ناراحت شدم . هنگامی که معلم با دانش آموزان خود این گونه رفتار کند و مسئولیت رفتار نا مناسب خود را بپذیرد ، آنها نیز نه تنها تنبیه ها را فراموش می کنند ، بلکه به اشتباهات خود هم پی می برند .

\*اجتناب از شوخی ؛

روش دیگر برای ایجاد رابطه مطلوب با دانش آموزان اجتناب از شوخی های زاید است . برخی از معلمان در بر خورد با دانش آموزان بدرفتار از عبارات تمسخر آمیز استفاده می کنند . دانش آموزان در این موارد احساس می کنند که مورد تنبیه واقع شده اند . البته فرق نمی کند که این گونه شوخی ها برای آزردن و کنترل باشد و با ظاهری دوستانه داشته باشد . به ویژه این که کودکان و نوجوانان به طور معمول قادر به ادراک شوخیهای افراد بزرگسال نیستند و امکان دارد سخنان محبت آمیز آنان را تمسخر تلقی کنند . البته منظور این نیست ، که در کلاس هیچ مزاحی نباید صورت گیرد ، بلکه فقط نباید دانش آموزان مورد تمسخر قرار گیرند .

\*پرهیز از پیش داوری های غیر منصفانه

معلمان نیز همچون دیگر انسان ها در بعضی زمینه ها پیش داوری هایی کنند . مثلاً این که تفاوت های ذاتی میان زن و مرد وجود دارد و یا آن که آن کس که موقعیت اجتماعی بهتری دارد ، فرد برتری است و غیره ، که البته همه این پیش داوری ها زیانبار است و برای از بین بردن آنها باید تلاش کرد .

اولین گام برای پرهیز از این گونه موارد ، آن است که معلم باید صادقانه به آن چه باور دارد اعتراف کند . زیرا اگر آنها را انار کند ، نمی تواند دانش آموزان خود را از عواقب نا خوشایند آن دور دارد . پس از آن ، معلم باید تلاش کند تا بین دانش آموزان



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

خود دیگر تفاوت نگذارد. برخی از دانش آموزان بیش از همکلاسیهها به توجه معلم خود نیاز دارند. بدیهی است که معلم نیز باید روش های آموزشی و رفتاری خود را متناسب با نیاز های متفاوت دانش آموزان سازگار کند. روابط خصوصی معلم با برخی از دانش آموزان بسیار زیانبار است، زیرا دیگر دانش آموزان آن را نوعی تبعیض می شمارند. این امکان باید برای همه دانش آموزان فراهم باشد، اما به طور معمول معلمی که فرضاً به ورزش علاقمند است با دانش آموزان ورزش دوست بیشتر رابطه برقرار می کند و غیره. در حالی که معلم مسئولیت حرفه ای دارد که با همه شاگردان چنین رفتاری داشته باشد. حتی اگر همه دانش آموزان به طور یکسان به معلم واکنش نشان ندهند، اما معلم باید این فرصت را در اختیار همه ایشان بگذارد.

\*ابراز علاقه و توجه به دانش آموزان

معلم باید بیش از آن چه از او انتظار می رود، به دانش آموزان کمک کند. البته لازم نیست تلاشی غیر عادی داشت بلکه فقط باید به دانش آموزان نشان داد که مزاحم نیستند و معلم از فعالیت با ایشان لذت می برد. برای مثال یک معلم دبیرستان به دانش آموزان خود گفت که روزهای بارانی موقع ناهار آن ها می توانند از اتاقش استفاده کنند. این معلم تا پایان سال تحصیلی به آن چه گفته بود عمل کرد. بسیاری از دانش آموزان اما نه همه ی آن ها دعوت او را برای صرف ناهار در اتاقی گرم پذیرفتند. حتی تعدادی از دانش آموزان کلاس های دیگر نیز به همراه دوستان خویش به آن جا می آمدند در حالی که دانش آموزان غذا می خوردند و همدیگر را ملاقات می کردند معلم نیز غذایی را می خورد و اوراق آن ها را تصحیح می کرد. البته منظور این نیست که معلم مجبور باشد به خاطر اسایش دانش آموزان خود را به درد سر اندازد بلکه او با این کار فقط علاقه ی واقعی خود را به آن ها نشان داده است. معلم دیگری با گروهی از دانش آموزان کار می کرد که به دلیل عملکرد ضعیف تحصیلی و رفتارهای پر خاشکگرانه در شرف اخراج از مدرسه بودند. آن ها به طور معمول قلم و دفترچه ی خود را به همراه نمی آوردند. معلم برای این موضوع راهی یافت او با خود قلم هایی را به کلاس می آورد و آزادانه در اختیار هر کسی می گذاشت همچنین همیشه مقداری کاغذ سفید نیز با خود به کلاس می آورد. این اقدام تلاش کوچکی از جانب وی بود. مهمترین نکته این بود که معلم با در اختیار گذاشتن قلم و کاغذ نشان می داد که درباره ی موفقیت دانش آموزان خود حساسیت دارد و حاضر نیست دانش آموزی به خاطر نداشتن وسایل لازم از فعالیت تحصیلی باز بماند. یکی از روشهای دیگر برای آن که معلم علاقه ی خود را به دانش آموزان نشان دهد حضور در برنامه های فوق برنامه ی تحصیلی ایشان است. برای مثال معلم با شرکت در بازی های دانش آموزان به آن ها نشان می دهد که از بودن در جمع آن ها لذت می برد. بنابراین شرکت مستقیم در فعالیت ها و یا قبول وظیفه ی جانبی و تشویق دانش آموزان آن ها را متوجه علاقه ی معلم به فعالی های آن ها می کند. به علاوه معلم با صحبت پیرامون برنامه های آخر هفته، تعطیلات و طرح های آینده دانش آموزان می تواند علاقه ی خود را به آن ها نشان دهد. همچنین صحبت های اتفاقی معلم در راهروی مدرسه و یا زمین بازی و غیره با دانش آموزان نشان دهنده ی آن است که به آن ها علاقمند است. معلمانی که به جزئیات فردی دانش آموز توجه می کند باعث می شوند تا دانش آموز وی را علاقمند به خود بداند دانش آموزان باید بدون در نظر گرفتن توانایی ها و یا شکست ها ایشان در امور تحصیل مورد احترام و توجه واقعی قرار گیرند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

\*ثبات داشتن و بخشنده بودن

معلمانی که در رفتارشان آرامش دارند در رابطه‌ی خود با دانش‌آموزان بسیار موفق هستند. دانش‌آموزان معلمی می‌خواهند که رفتارشان پایدار و قابل پیش‌بینی باشد. معلمی که یک روز دوستانه و روزی دیگر رفتاری غیر دوستانه دارد موجب می‌شود تا دانش‌آموزان از در میان نهادن مشکلات خود با وی تردید داشته باشند. در واقع دانش‌آموزان نباید شاهد بی‌ثباتی در رفتار معلم خود باشند. حتی دانش‌آموزانی که در روز قبل مشکلی در کلاس ایجاد کرده‌اند باید بتوانند روز بعد به راحتی به سر کلاس بیایند. معلم باید با آن‌ها برخوردی دوستانه و محترمانه داشته باشد و بی‌نظمی‌های آن‌ها را نادیده بگیرد و به امور روز جاری بپردازد. در واقع معلمان باید بیاموزند که کینه‌ی خود را دور بریزند و همان‌طور که دوست دارند دیگران خطای آن‌ها را ببخشند آن‌ها نیز از خطاهای دانش‌آموزان چشم‌پوشی کنند.

\*داشتن انتظاراتی بالا و ممکن

معلمی که خواهان رابطه‌ی مثبت و سازنده با دانش‌آموزان است باید اعتقاد به قابلیت‌ها را در آن‌ها پرورش دهد. راه‌های زیادی برای این منظور وجود دارد اول واگذاری کردن فعالی‌های نسبتاً دشوار به دانش‌آموزان است. با واگذار کردن کارهایی که احتمال شکست در آن‌ها اندک است و موجب افزایش توانایی‌های دانش‌آموزان می‌شود معلم اعتقاد خود را نسبت به قابلیت‌های دانش‌آموزان به آن‌ها القا می‌کند. برعکس کاری که بیش از اندازه سهل باشد ممکن است سبب شود تا دانش‌آموزان فکر کنند معلم آن‌ها را در انجام کارهای واقعی ناتوان می‌داند. در حالی که واگذاری کارهای نسبتاً دشوار ممکن است نشانه‌ی اعتقاد معلم به قابلیت تحصیلی دانش‌آموزان باشد. اما چنانچه آن‌ها نتوانند در آن‌ها موفقیت کسب کنند ارزش‌چندانی نخواهند داشت بنابراین باید دقت کند کارهای خیلی دشوار را که چندان امید موفقیت در آن‌ها نمی‌رود و به دانش‌آموزان واگذار نکند که به این طریق احساس عدم صلاحیت در آن‌ها تقویت خواهد شد. استدلال آن‌ها چنین است که معلم تنها کاری را به من می‌دهد که باید قادر به انجام آن باشم و چون نمی‌توانم آن را انجام دهم پس توانایی کمتر از حد انتظار است. معلم باید در کنار فراهم آوردن کارهای نسبتاً دشوار از دانش‌آموزان برای فعالی‌های آموزشی حمایت کند. هدف در واقع فراهم کردن محیطی آموزشی است که دانش‌آموزان در آن بیشترین یادگیری را داشته باشند و نیز احساس توانمندی نمایند. (سرتیپی، ۱۴۹، ۱۳۸۰)

نتیجه‌گیری

نقش مهم معلمان در سلامت و سعادت و تعالی جامعه بر کسی پوشیده نیست هر جامعه‌ای طالع خود را در چگونگی کار معلم می‌بیند و او را اولین و آخرین امید در تربیت و پرورش نوباوگان و نسل آینده‌ی کشور می‌داند. احراز مقام والای معلمی چندان هم ساده نیست. معلم باید با دلسوزی و فداکاری از جان و دل زحمت بکشد تا نسلی تربیت شده و سالم به جامعه تحویل دهد. او باید با صبر و حوصله و متانت اخلاق سرمشق پاکی و راستی و نمونه‌ی یک انسان کامل و صادق برای فرزندان این مرز و بوم باشد. معلم همواره باید وجدانی پاک و رفتاری پسندیده و مهر‌آمیز داشته باشد. وقتی در جامعه‌ای شغل معلمی را هم‌طراز شغل انبیاء می‌دانند چه عزت و حرمتی بالاتر از این می‌توان بر معلم نثار کرد. هنگامی که دانش‌آموزان



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بیشتر توجه و انرژی خود را برای جلب توجه و اطمینان و احترام معلم صرف می کند می توان گفت که آن ها به معلم وابسته هستند و از بیرون کنترل می شوند آن ها در این که اوقات خود را چگونه بگذرانند به علایق درونی خود متوجه نیستند آن ها تکلیف را به دلیل خود آن ها و چالش انگیز بودن خود تکلیف انجام نمی دهند بلکه به ارزش ها و تاکیدهای معلم توجه دارند و تکلیفی را که چندان علاقه ای به آن ها ندارند انجام می دهند زیرا فکر می کنند با انجام این گونه تکلیف توجه معلم را جلب خواهند کرد. هدف از این راهبردهای جلوگیری از توجهات بی دلیل دانش آموزان به ارزش ها و انتظارهای معلم است. شاید این طور به نظر آید که این هدف بر خلاف آن است یعنی اگر دانش آموزان معلمان را با نظر مثبت بنگرند در این صورت معلمان سرمشق ارزش های تحصیلی آن ها خواهند بود هنگامی که دانش آموزان با معیارها و ارزش های معلمان درگیر باشند این خطر هست که آن ها را به بهای فراموش کردن خود بپذیرند. دانش آموزانی که معلم را سرمشق آرمانی خود می دانند علایق و ارزش های خود را نیز انکار نمی کنند. دانش آموزان وابسته را باید برای اجتناب از این امر تشویق کرد و آن ها را به ارزش ها و اهداف خود متوجه نمود تا ادراک کنترل و خودمختاری آن ها افزایش یابد. به این منظور لازم است تا نیاز دانش آموزان به توجه و احترام غیر مشروط از جانب معلم برآورده گردد. به بیان دیگر همه ی دانش آموزان باید بدون در نظر گرفتن موفقیت یا شکستشان در تحصیل مورد احترام و توجه واقعی قرار گیرند. هنگامی که چنین شود دانش آموزان بر این باور نخواهند بود که ارزش آن ها به عنوان یک فرد با وضعیت تحصیلی شان ارتباط دارد و ارزشمندی خود را وابسته به تعریف و تمجید معلم نمی دانند. معلم می تواند به همین طریق با کاهش تعریف و تمجیدهای کلی و افزایش برجسته کردن جنبه های خاص و موفق دانش آموزان توجه ایشان را از داوری معلم به جانب کیفیت عملکرد خودشان سوق دهد. دانش آموزان می باید بیاموزند که برای خود فعالیت و لذتی که از انجام آن می برند و نه به دلیل توجه و احترام معلم به انجام هر فعالیتی بپردازند. در واقع آن ها باید بیاموزند که لذت ایشان در انجام مطلوب فعالیت و افزایش قابلیت ها است و به دنبال واکنش دیگران در برابر موفقیت های خود نباشند. این لذت ذاتی با مهارت گرایی یا تکلیف گرایی سازگاری دارد یعنی توجه دانش آموزان بر مهارت یافتن به تکلیف و نه بر جلب توجه دیگران متمرکز می شود و در نهایت معلمان می توانند به دانش آموزان تلقین کنند تا برای موفقیت های خود اسنادهای درونی مانند تلاش و توانایی و برای شکست هایشان اسناد های درونی ناپایدار مانند تلاش داشته باشند و از این طریق تمایل ایشان را به وابسته بودن به معلم کاهش دهند و ادراک کنترل شخصی ایشان را تقویت نمایند. دانش آموزان پس از یک تجربه ی موفق نیاز دارند تا باور کنند که قادرند موقعیت های مطلوب را باز هم ایجاد کنند. اسناد درونی پایدار و اسناد درونی قابل کنترل ناپایدار به طور توأمان انتظار موفقیت در آینده را به وجود می آورند زیرا توانایی ها و تلاش های دانش آموزان قابل استفاده در موقعیت جدید هستند در مورد تجربه ی شکست نیز دانش آموزان باید مطمئن باشند که قادرند با عوامل مخرب مقابله کنند. در این مورد فقط اسناد درونی ناپایدار و قابل کنترل می تواند موجب انتظار موفقیت در آینده باشد. در واقع دانش آموزان می توانند داوطلبانه تلاش خود را در موقعیت های جدید افزایش دهند و احتمال موفقیت خود را بیشتر کنند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع و ماخذ

منابع فارسی

- ۱- یغما، عادل، (۱۳۸۴)، کاربرد روش ها و الگوهای تدریس، تهران، انتشارات مدرسه، چاپششم.
- ۲- اسپالدینگ، چریل ال. (۱۳۸۷)، انگیزش در کلاس درس، مترجم محمد رضا نایینیان و اسماعیل بیابانگرد، تهران، انتشارات مدرسه.
- ۳- سیف، علی اکبر، (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، تهران، نشر روان.
- ۴- سرتیپی، سیاوش، (۱۳۸۰) روابط معلم و شاگرد، تهران، انتشارات فاخته.

منابع انگلیسی

- 1-Middiestadt.s.(1979)student perceptions of teacher interactions with male high and how achievers.lournal of educational psychology 74
- 2-zimmerman.B.schunk.D.(1989)self –regulated learning and academic achieuement..
- 3-Hanson,(1985).perr models:Influence on childrens,self-efficacy and achievement.journal of educationsl psychology,77,313-322